

پایله و پروانه

فرهاد آیت‌اللهی، کارگردان سینما، فعال مدنی و اجتماعی در حوزه کودکان و زنان و مدیر کمیون پزشکی نجات کودکان در زمینه فوریت‌های اورژانسی پزشکی و تأمین دارو و شیر خشک اطفال

هر سال سازمان ملل متحد، آژانس‌ها و رویدادهای بین‌المللی با بررسی هفت محور دستورالعمل‌هایی را مدون و به کشورهای عضو سازمان ابلاغ می‌کنند تا کشورها این موارد را در دستور کار خود قرار دهند (حقوق کودکان و اهداف ۱۷ گانه توسعه بنیاد شهرهای پایدار زیر مجموعه این هفت مورد اصلی است). نکته قابل تأمل این‌که کودکان جایگاه ویژه‌ای میان همه موضوعات هفت‌گانه دارند.

۱. تبعیض:

جنسیت، نژاد، قومیت و ملیت افراد تأثیری در برخورداری یا عدم برخورداری آن‌ها از حقوق انسانی ندارد. در این میان توجه ویژه‌ای به نابرابری جنسیتی در مورد کودکان در سطح بین‌المللی شده است. طبق بررسی‌ها، افغانستان به عنوان ناامن‌ترین کشور جهان از این منظر برای کودکان شناخته شده است. نگاه جنسیت‌زده در فرهنگ این کشور به‌گونه‌ای است که حتی دختر را جزو شمارش خانه به حساب نمی‌آورند و پسرسالاری افراطی نیز به نابرابری جنسیتی فاحش تبدیل شده است.

۲. خشونت:

در چند سال اخیر همواره و به شدت حوزه آسیب‌های اجتماعی کودکان مورد توجه قرار گرفته، سازمان ملل متحد نیز سال ۲۰۲۱ را سال «حذف کودکان کار» نامیده است. بنابراین کشورها ملزم شده‌اند، اقدامات لازم را در این زمینه به عمل آورده و بر روی رشد و توانمندسازی کودکان کار خیا بانی، متروبی و زیرزمینی سرمایه‌گذاری کنند تا شاهد حضور آن‌ها به عنوان کودک کار در سطح شهرها نباشیم. تجاوز و آزار جنسی و جسمی یکی از اصلی‌ترین زیرشاخه‌های خشونت است که در سراسر دنیا فعالیت‌های بسیاری برای آگاهی بخشی والدین و کودکان انجام می‌شود. خوش بختانه مدتی است در یزد نیز کلینیک فوق تخصصی بهمن، کارگاه‌های متنوعی با این موضوع برگزار می‌کند. طی این آموزش‌ها علاوه بر این‌که کودکان با بدن و نوع مراقبت از خودشان آشنا می‌شوند، راهکارها و اطلاعات مفیدی نیز در اختیار والدین قرار می‌دهند.

۳. سلامت و بهداشت:

این مورد سلامت جسمی، روانی و مسائل مربوط به غذا و آب پاکیزه و سالم، بهداشت فردی و... را شامل می‌شود. به واسطه بحران کرونا، کودکان آسیب‌های روحی زیادی را به دلیل عدم حضورشان در اجتماع و محرومیت از ارتباط با همسالان متحمل شده‌اند، بنابراین لازم است به طور جدی این موضوع مورد توجه قرار گیرد.

جنگ نیز از دیگر موضوعاتی است که به طور مستقیم و غیرمستقیم سلامت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عنوان مثال مواردی از جمله جنایت‌های انسانی، وجود گروه‌های تروریستی در کشورهای مسلمان و کشتار افراد در برابر چشمان کودکان، آسیب‌های جدی روحی و روانی بسیاری به کودکان وارد کرده است، بنابراین باید هرچه سریع‌تر در این زمینه چاره‌ای اندیشیده شود، زیرا نسل بعدی این کشورها را کودکان آسیب دیده درمان نشده‌ای تشکیل می‌دهند که مستعد هرگونه اختلال و آسیب به دیگران هستند.

۴. محیط زیست:

مکان زندگی سالم و به دور از هرگونه آلودگی شیمیایی و زیست محیطی حق هر انسانی است. اما این موضوع برای کودکان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است زیرا آن‌ها پایه یک نسل هستند، بنابراین هم خود باید از یک محیط سالم از هر لحاظ مناسب برای زیست بهره‌مند شوند و هم مهارت‌ها و آموزه‌هایی را در مورد نگهداری و حفظ این محیط بیاموزند تا بتوانند به نسل بعد نیز منتقل کنند.

۵. فقر:

در باب فقر سه موضوع مهم مطرح است؛ فقر فرهنگی، فقر علم و دانش (فقر آگاهی) و فقر غذایی. فقر غذایی در کودکان اهمیت بسیار بالایی دارد. امنیت غذایی و دستیابی به غذای مناسب حداقل حقوقی است که برای دستیابی به یک جهان بدون گرسنگی باید به آن اهمیت بدهیم.

ده سال قبل کمپینی را با موضوع شیرخشک شیرخوارگان راه‌اندازی کردم. با این پیش‌زمینه که مدتی قبل از آن وارد بحث حل و فصل فوریت‌های پزشکی شیرخوارگان شده بودم و همین امر هم باعث شد، متوجه شوم درصد قابل توجه‌ای از پرونده‌های ارجاعی، به بیماری‌های ناشی از سوء تغذیه مربوط می‌شود. بنابراین اگر تأمین شیرخشک و توجه به موضوع گرسنگی را مورد توجه قرار دهیم، به خودی خود هفتاد درصد از پرونده‌های بیماری‌کاسته می‌شود. خوش بختانه این اتفاق رخ داد و نیاز دارویی

و پزشکی نیز برطرف شد.

۶. زنان و ارتقای توانمندی‌های آن‌ها:

هفتاد درصد از پرونده‌هایی که در کمپین با آن‌ها مواجه می‌شوم، مربوط به خانواده مهاجرین افغانستانی و پاکستانی است و در اکثر این پرونده‌ها نیز سرپرست خانواده زن است و مردی در زندگیشان وجود ندارد. بنابراین با کمک سازمان‌های مردم نهاد شروع به فعالیت در زمینه رشد و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار کردیم. زمانی که مادر، توانمند و رشد یافته باشد به طبع این توانایی را دارد که آموزش‌های لازم را در اختیار کودکانش قرار دهد. البته کمک‌های ما نمی‌تواند دائمی باشد یا تا ابد ادامه پیدا کند، بنابراین لازم است به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شود تا این زنان بتوانند زندگی خود را به سمت استقلال پیش ببرند که این امر نیازمند ارتقاء و رشد توانمندی‌های آن‌ها است.

۷. رشد، توانمندسازی و حقوق کودک

این مورد جزء مهم‌ترین موضوعات جهان است که در اهداف هفت‌گانه توسعه پایدار بنیاد بین‌المللی «شهرهای پایدار جهان» به این مورد توجه ویژه‌ای شده است. شهر جهانی یزد نیز به عنوان پایتخت فرهنگی و تاریخی شهرهای پایدار جهان انتخاب شده است. شهر جهانی یزد به دلیل دارا بودن فضای‌های متعدد مطلوب آموزشی و کارگاه‌های مهارتی، بستر مناسبی برای رشد و توانمندسازی کودکان

به‌شمار می‌آید. از سوی دیگر رشد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کودکان اولین ماده کنوانسیون حقوق کودک است و براساس آن، شهر جهانی یزد توانسته تقریباً هشتاد درصد موارد این ماده را کسب کند.

با این مقدمه، می‌خواهم به مورد پنجم یعنی فقر و از آن دسته به فقر فرهنگی و ارتباطش به حق آموزش کودکان بپردازم. کودکان ما بالی را برای پرواز کم دارند. شاید ما در زمینه علم و دانش آن‌طور که شایسته است کار



نکرده باشیم و فقر علمی نداشته باشیم اما بال دوم ما برای پرواز به سوی جامعه‌ای استاندارد شاید دچار مشکلاتی است و آن ناشی از فقر فرهنگی است که من به طور خاص بر روی یک مورد آن تمرکز خواهیم کرد و آن رابطه مسئولیت پذیر کردن کودکان و پرورش انسان-شهروند است. کودکان ما حق دارند تادرست آموزش ببینند و برای ورود به یک جامعه آماده شوند برای این منظور در وهله اول خانواده و سپس آموزش و پرورش باید بسترهای مناسب را فراهم کند. کشور فنلاند یکی از برترین نظام‌های آموزشی را دارد. این کشور به کودکان ده تا پانزده سال، در جهت رشد مهارت‌های فردی و اجتماعی آموزش می‌دهد و شصت مورد مهارتی را از گره زدن بند کفش گرفته تا ترغیب کودکان به کارهای داوطلبانه در فهرست آموزشی خود قرار داده است، این یعنی مهارت‌گرایی به جای مدرک‌گرایی. فنلاند کودکان را برای زندگی واقعی در جامعه‌ای واقعی آماده می‌کند یعنی توجه به پرورش انسانی با مسئولیت اجتماعی نه پرورش افرادی که تنها به فکر رفع نیازهای شخصی و فردی خودش است. اما توجه به این مورد در فضای آموزشی ما جایگاهی ندارد و هنوز واژه مسئولیت اجتماعی در میان طیف عمومی جامعه تعریف نشده است و به وظیفه خود آگاه نیست. ما نیز در گذشته، هم در خانه و هم در مدرسه مسئولیت اجتماعی را به طرق

مختلف به کودکان آموزش می‌داده‌ایم، اما به تدریج شیوه‌های آموزشی به سمت تئوری‌های صرف رفت و از آموزه‌های مهارتی و زیستی خالی شد؛ البته مردم یزد بنا به اظهارات مسئولان در مواقع بحرانی کشور مثل سیل‌ها و زلزله‌های اخیر نسبت به این وظیفه اجتماعی خود بسیار مسئولانه رفتار کرده‌اند و کودکان ما هم این حس مسئولیت را دارند. اگر این انگیزه‌های درونی و فعالیت‌ها هدایت شود جریان خوبی به راه خواهد افتاد. فعالیت‌های سیزده ساله من در رابطه با کودکان آسیب‌دیده و از طرفی زندگی در منطقه مرفه شهر، من را به این نتیجه رسانده است که ما به بیماری ایزوله کردن بچه‌ها دچار شده‌ایم. ایزوله کردن کودکان باعث فلج شدن آن‌ها می‌شود. نسیردن مسئولیت کارهایی که متناسب با سن بچه‌ها است، از ترس این‌که خراشی بردارند یا اتفاقی برایشان بیفتد و یا تمرکز قشر مرفه بر روی مواردی چون برند کیف، کفش و تبلت فرزندشان، آسیب‌های روانی بسیاری را به همراه دارد. این همه تمرکز و توجه به برندها به هیچ عنوان در جوامع پیشرفته حتی در میان قشر مرفه‌شان وجود ندارد، آن‌ها به رشد شخصیتی، رفتاری و فردی کودک اهمیت می‌دهند و از دادن مسئولیت به بچه‌ها ابایی ندارند. با مطالعه زندگی زنان و کودکان افغانستانی که به نوعی امروز محروم‌ترین قشر به لحاظ حقوقی و اقتصادی است با نهایت تعجب دریافتم که ایشان امید بالایی به زندگی دارند و بسیار توانمند هستند چون بحران‌های متعددی را از سر گذرانده‌اند و می‌توان گفت با توجه به شرایطشان رشد فردی و اجتماعی موارد بیش‌تری نسبت به ما پیدا کرده‌اند. همچنین درصد بالایی از پذیرفته‌شدگان کنکور روستاییان و مردم مناطق محروم کشور تشکیل می‌دهند آن‌هایی که به امکانات آموزشی دسترسی کافی ندارند. بنابراین تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی موجب وابستگی کودکان به والدین و امکاناتی بیش از حد لازم شده است. که بخش اعظم این معضل به سیستم آموزشی ما برمی‌گردد. سیستم آموزشی باید تجمل‌گرایی و وابستگی کودکان به تشریفات را حذف کند و تمرکز اصلی را روی فرهنگ، مسئولیت اجتماعی و مهارت‌های فردی کودکان بگذارد. توجه به رشد و مهارت‌های فردی باید به یک قانون

در آموزش و پرورش تبدیل شود، تا پدرها و مادرها نتوانند آن را نادیده بگیرند، مخصوصاً آن‌هایی که از دادن مسئولیت به کودکانشان واهمه دارند. کودکان باید زندگی در محیط واقعی اجتماع را تجربه و در آن رشد کنند و آموزش ببینند نه این‌که فقط در چهارچوب مدرسه و پشت نیمکت و امروز هم که در حصار خانه و پشت سیستم‌های دیجیتال، به آن‌ها آموزش دهیم زیرا این آموزش مطالبقتی با زندگی ندارد. گسترش استفاده از فضای مجازی انسان را تنها کرده است و انسان تنها، اشتباهات بیش‌تری را مرتکب می‌شود و آسیب بیش‌تری می‌بیند. فرزندان ما باید رفتار درست را در دنیای واقعی یاد بگیرند. آموزش در دنیای واقعی نقش بسیار مهمی دارد، زیرا آن‌ها در آینده و در زندگی واقعی باید نحوه مواجهه با مسائل و مشکلات را بدانند. ما باید وابستگی کودکان به خودمان را به حداقل برسانیم. این پیام من به پدر و مادرها است. ما کودکان را خلق و به جهان دعوت می‌کنیم، بنابراین مسئولیت مستقیم آینده و زندگی آن‌ها برعهده ما است. کودکان بذرهایی هستند که به شرایطی خاص برای تبدیل شدن به یک درخت تنومند و مفید نیاز دارند و ما موظفیم بستر مناسبی را برای رشد و بالندگی آن‌ها فراهم کنیم. منتظر دیگری برای ایجاد تغییر نباشیم، تغییر اساسی را از خودمان شروع کنیم و اجازه دهیم کودک مستقل شود و رشد کند. لازم نیست کارهایی که کودک باید خودش انجام دهد را ما برایش انجام دهیم، شبیه داستان پیله و پروانه که پدرها و مادرها، کودکانشان را که می‌توانند یک پروانه زیبا و توانمند باشند در پیله اسیر کردند و در نتیجه اکثر فرزندان ما مانند کرمی وابسته به پدر و مادر در پیله‌ای گیر افتاده‌اند. این اتفاق محصول تربیت غلط است. این آموزش نیست، اتفاق خوبی هم نخواهد افتاد. باید اجازه داد فرزندان رنج بکشند و تلاش را بیاموزند. والدین باید محدودیت‌ها را هوشمندانه و هدفمند اعمال کنند و در کنار آن رشد و مهارت فردی را آموزش دهند. به عقیده من علم و دانش کسب می‌شود، اما جای مهارت فردی و گروهی در جامعه ما بسیار خالی است. کودکان این سرزمین از لحاظ فکر، اندیشه و مغز بسیار رشد یافته و هوشمند هستند و نسبت به کشورهای دیگر، جهان بینی و استعداد بالقوه مطلوبی دارند، بنابراین می‌توان با کوچک‌ترین تغییر در سیستم آموزشی جهشی بزرگ را در این زمینه رقم زد تا شاهد رشد و شکوفایی شگفت‌انگیزی در کودکانمان باشیم. به امید بهترین اتفاقات برای کودکان که لازم است برای تحقق آن بیش‌تر تلاش کنیم. ■

